



تصاویر سخن می‌گویند:

# نگاهی به ارتش از میان منتخبی از عکس‌های عباسقلی اسفندیاری

منصوره اتحادیه (نظام مافی)<sup>۱</sup>، حوریه سعیدی<sup>۲</sup>

کلیدواژه‌ها:  
تاریخ معاصر، وضعیت  
ارتش، عکس‌های  
تاریخی-نظامی،  
عباسقلی اسفندیاری

مطالعات مبتنی بر اسناد و مدارک تاریخی از انواع تحقیقاتی است که با درون‌مایه‌ای از جنس سندشناسی به دریافت‌هایی از نوع مطالعات جامعه‌شناختی و مردم‌شناسی و علم تحولات اقتصاد و حتی روابط و عواطف انسانی درگذر تاریخ می‌تواند بیانجامد. این موضوع به هدفی که محقق از جستجو و خوانش اولین برگ از مجموعه اسناد تاریخی و نوع خوانش و دریافت اطلاعات آن و نیز اولین عکس از میان تصاویر تاریخی و درکی که از آن در تصویرش ایجاد می‌شود، بستگی تام دارد.

دریافتی که پژوهشگر تاریخ از سند و یا عکس تاریخی دارد، لزوماً با هدفی که در ابتدا برای ایجاد آن متصور بوده می‌تواند هم‌خوانی و تناسب نداشته باشد. چنانکه نامه‌ای که از پدر به فرزندش، یا دوستی به دوستش نوشته می‌شود، یا عکسی در آلبوم خانوادگی ایجاد می‌شود، درگذر تاریخی حاوی اطلاعات و منبعی از دریافت واقعاتی خواهد شد که در زمان صدور آن و یا به تصویر کشیدنش منظور نظر آفریننده آن نبوده است.

مجموعه‌ای که این مقاله به انگیزه معرفی آن نگاشته شده است، منتخب عکس‌هایی هستند که عکاس آنها بخش مهمی از ساختار و تشکیلات نوین ارتش ایران را خواسته و یا ناخواسته به تصویر کشیده است. این عکس‌ها با مضامین و موضوعات متفاوتی که به آنها پرداخته شده تلاش دارد علاوه بر نشان دادن فیگورهای ساختگی اشخاص روبروی دوربین، به زوایا و حالات پیدا و پنهان موضوعات هدف دوربین بپردازد.

بررسی حاضر نشان می‌دهد که تاریخ‌نویسی نوین تنها به منابع مکتوب در بیان وقایع و تحلیل تاریخی اکتفا نکرده و از تمام شواهد مکتوب (کتاب، سند) و غیرمکتوب (عکس، نقاشی‌های هنری، موسیقی، صنایع دستی، قصه‌ها و آواها و ترانه‌ها، و غیره) که به کمک تاریخ می‌آیند، در ضبط و تحلیل تاریخ استفاده کرده و بهره می‌برد.

مقاله حاضر به انگیزه ترسیم گوشه‌ای از وضعیت ارتش در ایران (با تمرکز بر لشکر غرب- کرمانشاه) در عصر پهلوی از لابه‌لای عکس‌ها و تصاویر مجموعه سرتیپ عباسقلی اسفندیاری گردآوری و نوشته شده است.

**استناد:** اتحادیه (نظام مافی)، منصوره و سعیدی، حوریه. (۱۴۰۴). تصاویر سخن می‌گویند: نگاهی به ارتش از میان منتخبی از عکس‌های عباسقلی اسفندیاری. آرشیو ملی، ۸ (۱)، ۳۹-۵۶.

۱. اسناد، دانشگاه تهران.  
تهران، ایران  
mnmafi@gmail.com  
۲. عضو هیئت علمی سازمان  
اسناد و کتابخانه ملی، تهران، ایران  
hoorihsaedi@yahoo.com

## ۱. مقدمه

کنکاش در تاریخ معاصر ایران به کمک اسناد و واکاوی تاریخ از درون تصاویر از جمله مباحث و ابزارهای نوین تحلیل‌های تاریخی است که جایگاه و اهمیت آن به تدریج در نزد تاریخ نویسان و تحلیل‌گران کنش‌های اجتماعی آشکارتر می‌شود.

مطالعات مبتنی بر اسناد و مدارک تاریخی یکی از انواع تحقیقاتی است که با درون‌مایه‌ای از جنس سندشناسی به دریافت‌هایی از نوع مطالعات جامعه‌شناختی و مردم‌شناسی و علم تحولات اقتصاد و حتی روابط و عواطف انسانی درگذر تاریخ نیز می‌تواند بیانجامد. این موضوع به هدفی که محقق از جستجو و خوانش اولین برگ از مجموعه اسناد تاریخی و نوع خوانش و دریافت اطلاعات آن و نیز اولین عکس از میان تصاویر تاریخی و درکی که از آن در تصورش ایجاد می‌شود، بستگی تام دارد.

دریافتی که پژوهشگر تاریخ از یک سند و یا عکس تاریخی دارد، لزوماً با هدفی که در ابتدا، برای ایجاد آن متصور بوده می‌تواند هم‌خوانی و تناسب نداشته باشد. چنان‌که نامه‌ای از یک پدر به فرزندش و یا دوستی به دوستش، و یا عکسی در یک آلبوم خانوادگی ایجاد می‌شود، درگذر تاریخی حاوی اطلاعات و منبئی از دریافت واقعاتی خواهد شد که در زمان صدور آن و یا به تصویر کشیدنش منظور نظر آفریننده آن نبوده است. بدین لحاظ این‌گونه مدارک، در دایره مستندات و منابع تحقیقات تاریخی از جایگاه والا و ویژه‌ای برخوردار هستند.

مجموعه‌ای که این مقاله به انگیزه معرفی آن نگاشته شده است، منتخب عکس‌هایی هستند که عکاس آنها بخش مهمی از ساختار و تشکیلات نوین ارتش ایران را خواسته و یا ناخواسته به تصویر کشیده است. این عکس‌ها با مضامین و موضوعات متفاوتی که به آنها پرداخته شده تلاش دارد علاوه بر نشان دادن فیگورهای ساختگی اشخاص روبروی دوربین، به زوایا و حالات پیدا و پنهان موضوعات هدف دوربین بپردازد. بدین لحاظ این مجموعه عکس‌ها را از حالت خشک و بی‌روح ضبط تصاویر، خارج ساخته و زبانی خاص برای بیان بخشی از اوضاع ارتش ایران، در مجموع، و شکل حضور آنها در ناحیه‌ای از ایران (منطقه غرب)، به‌طور خاص داشته باشد.

بسیاری از عکس‌های این مجموعه، اغلب بدون هیچ توضیح و یا حاشیه‌نویسی، خودگویای موضوع و مطلبی خاص هستند. هنر عکاس و یا کسی که سوژه عکاسی را ارائه داده در همه تصاویر، به خوبی نمایان است. افزون بر آنها موضوعات عکس‌ها و زاویه و زمان ثبت لحظات از ویژگی‌هایی است که این مجموعه را در میان عکس‌های تاریخی، خاص ساخته است.

بازشناسی تاریخ از میان تصاویر، شاخه‌ای از تحقیقات تاریخی است که امروزه مورد توجه پژوهشگران تاریخ معاصر و نیز علوم اجتماعی قرار گرفته است. این مجموعه و اطلاعات مستخرج از آن می‌تواند شاهد خوبی بر این مدعا باشد.

چنان‌که در منابع آمده است، تا اواسط دوره قاجار، ایران فاقد نوعی سازمان‌بندی پیوسته نظامی بود. جنگجویان فقط به هنگام جنگ و بروز خطر، جمع‌آوری و متمرکز می‌شدند و برای تمرکز



و تعلیم دادن بدان‌ها بودجه و اعتبار کافی در دسترس نبود و در واقع شروع بازسازی و نوسازی در قشون ایران از اواسط دوره قاجار آغاز شده است؛ ولی در دوره پهلوی و زمان رضاشاه کامل شد.

بررسی محتوای اسناد و کتابچه‌های دیوانی، تاحدی روشن می‌سازد که در دوره قاجار تشکیلات داخلی نظامی شکل واحدی نداشت و دسته‌های سواره، پیاده، توپخانه، نیروهای چریک و اداره قورخانه در هر ایالت و یا ولایت تشکیل می‌شد. مجموع این دسته‌ها، تشکیل یک هرم را می‌داد. در رأس این هرم، خوانین قاجار قرار داشتند. خوانین قاجار همگی منتسب به خاندان سلطنتی بودند و به جهت نقشی که در امور نظامی هر منطقه داشتند، اغلب دارای مناصب تشریفاتی در حوزه نظام بودند و به تبع آن بیشترین میزان مواجب و سیورسات<sup>۱</sup> به آنها نیز اختصاص داده می‌شد (ساکماق: ۱/۹۶۷۲، ۱۰).

در مورد وضعیت ظاهری و تشکیلاتی قشون، امینه پاکروان بر آن است که ایشان گروه‌هایی متشکل از افراد ژنده‌پوش بودند که هیچ سازوبرگ مجهزی در اختیار نداشتند (پاکروان، ۱۳۷۷، ص ۳۰). عدم رسیدگی به وضعیت مواجب و جیره سربازان در دوره ناصرالدین‌شاه و نیز عدم توجه جدی به وجود انضباط در میان ایشان، باعث شد که با وجود تلاش‌های میرزاتقی‌خان امیرکبیر و نیز میرزا حسین‌خان سپهسالار و به خصوص در زمان مظفرالدین‌شاه، بسیاری از سربازان مجبور بودند برای گذراندن زندگی به مشاغلی چون کاسبی و صراف‌ی و همیشه‌کشی و هیزم‌شکنی بپردازند (نصراله‌خان یاور، ۱۳۵۰، ص ۴۹).

به تدریج و با نزدیک شدن به دوره مشروطه و بعد از آن، دو نیروی عمده قزاق و ژاندارمری در درون این ساختار ناپایدار و غیرمنتظم شکل یافت. وجود این نیروهای جدید تاحدی به ساختارمندی و انتظام تشکیلات نظامی کمک کرد. با آن‌که این دو نیرو به تناسب اوضاع سیاسی وقت، نسبت به یکدیگر در رقابت و به نسبت در مقام قوت و ضعف واقع می‌شدند، ولی در واقع همین دو قوه بودند که هسته اصلی ارتش نوین پهلوی را تشکیل دادند (کرونین، ۱۳۷۷، ص ۲۲).

با گذشت زمان، نیروهای دیگر نظامی با فشارهای انگلیس و برای کم کردن نفوذ روسیه (نیروی پلیس جنوب) و هم‌چنین توصیه‌های دیگر کشورهای اروپایی نظیر سوئدی‌ها (نیروی ژاندارمری) شکل یافت. در دل نیروهای جدید نظامی که در دوره حکومت پهلوی منظم شده و با قاعده در تقسیمات جدید نظامی شکل یافت، افراد و نظامیان جوان با دانش و مهارت‌های جدید نظامی هم رشد یافتند.

این توصیف مختصری بود از وضعیت نظام (ارتش)، تا زمان حکومت پهلوی و نظمی که رضاخان-سردار سپه- و رضاشاه بعدی، در ساختار آن و بر بنیان آن در کشور به وجود آورد.<sup>۲</sup>

تأسیس ارتش متحدالشکل در ایران را از یک طرف به علاقه شخص رضاخان سردار سپه و شعار وی نسبت می‌دهند و از طرفی نیز در راستای ماده ۳ قرارداد ۱۹۱۹ م. دانسته‌اند.<sup>۳</sup> ساختار ارتش در دوره رضا پهلوی و با ترتیباتی که خود، ابداع‌کننده آن بود با تقسیمات جغرافیایی کشور ایران شکل یافت. این تشکیلات تمام مناطق جغرافیایی ایران را پوشش می‌داد (کرونین، ۱۳۷۷، ص ۱۰۲-۲۰۲).

۱. سیورسات شامل جیره (آذوقه) و علیق (علوفه) بود که به نیروهای نظامی در مأموریت‌ها به صورت ماهیانه و یا روزانه تحویل داده می‌شد.  
۲. برای اطلاعات بیشتر در این زمینه ارجاع داده می‌شود به برخی منابع از جمله: ارتش و حکومت پهلوی اثر استفانی کرونین؛ ترجمه مقاله کنل استودارت با عنوان «گزارشی درباره ارتش ایران در زمان محمدشاه قاجار» که احسان اشراقی در مجله بررسی‌های تاریخی ج ۵، ش ۱۲، ۱۳۴۹، چاپ کرده؛ و کتاب آقا محمدخان نوشته امینه پاکروان و نیز کتاب تاریخ ارتش نوین ایران از ۱۳۰۰-۱۳۲۹.  
۳. ماده سوم قرارداد: حکومت انگلستان متعهد می‌شود به هزینه دولت ایران هر تعداد افسر و هر میزان اسلحه و مهمات (از انواع جدید) که به تشخیص کمیسیون مختلط نظامی برای نوسازی ارتش ایران لازم باشد در اختیار حکومت ایران قرار دهد؛ و این کمیسیون مختلط که در آن افسران ایرانی و انگلیسیی باالسویه عضویت خواهند داشت، بی‌درنگ پس از امضای قرارداد فعلی تشکیل خواهد شد. حکومت ایران تشکیل یک چنین ارتش متحدالشکل را برای ایجاد نظم در داخله مملکت و حفظ تمامیت مرزهایش تشخیص می‌دهد.

با وارد شدن آموزش‌های مدرن نظامی و تعلیمات افسران آموزش‌یافته در مدارس نظامی خارج از ایران به بافت قشون- که ارتش نام یافته بود- و نیز آراسته شدن آن با تسلیحات جدید، شکل جدیدی از نظام لشکری در ایران به وجود آمد. افسران اروپادیده زیرنظر و با تعلیمات سخت و خشن نظامی که فرماندهان ایشان داشتند، با انگیزه ایجاد وحدت و یکپارچگی حکومتی که رضاخان پهلوی و رضاشاه بعدی در نظر داشت، و به‌ویژه در نقاطی که از پایتخت ایران فاصله داشت و به شکل گریز از مرکز اداره می‌شد، با رفتارهای بسیار خشن و گاه سبانه، به ایجاد آرامش و تمکین از حکومت مرکزی پرداختند. بدین منظور به‌تناسب، افرادی در فرماندهی لشکریان و افواج مختلف گماشته می‌شدند که به منظور رضاخان نزدیک‌تر باشند. یکی از همین افراد و فرماندهان که از قبل سابقه همکاری و همراهی با رضاخان را داشت، سپهبد امیراحمدی بود که به فرماندهی لشکر غرب و به‌خصوص اسکات لرها در منطقه لرستان و توابع، گماشته شده بود (سعادت خودگو، ۱۳۸۳، ص ۱۲۶). زیرنظر وی افسرانی خدمت می‌کردند که یکی از ایشان عباسقلی اسفندیاری چندی در لشکر غرب مشغول انجام وظیفه بود. وی درباره چگونگی اسکات خوانین لر و نیز جنگ‌های منطقه‌ای در خاطرات خود مطالبی را به‌اختصار نقل کرده است.

در میان فرماندهان نظامی که در ابتدا تحت فرمان امیراحمدی در لشکر غرب به خدمت مشغول بود، سرتیپ عباسقلی اسفندیاری، افسر تحصیل‌کرده مدرسه نظامی سن سیر بود. باوجود آن‌که او در لشکر غرب از افسران زیر فرمان امیراحمدی قرار داشته و در منطقه لرستان و غرب، چندین عملیات را هدایت و انجام داده بود، ولی در میان خاطرات امیراحمدی به‌جز یک دو جا، از وی نام و نشانی وجود ندارد (زرگری نژاد، ۱۳۷۲، ص ۷۵). در میان اسناد تاریخی و نظامی این دوره نیز از وی اثر درخوری نیست. گذشته پرفرازونشیب او، تنها در خاطرات خودنوشت وی در مجله وحید تاحدی نشان داده شده است. البته وی در این خاطرات که بسیار مغشوش و با سکنه‌های تاریخی و موضوعی همراه است، درباره زندگی خود، با خست و گزیده‌گویی سخن گفته است.<sup>۴</sup> چنانکه درباره دوره کودکی و زندگی خانوادگی و ازدواجش مطلبی در آن وجود ندارد.

به‌نقل از باقر عاقلی درباره وی چنین آمده است:

سرتیپ عباسقلی اسفندیاری: فرزند حاج محتشم‌السلطنه اسفندیاری متولد ۱۲۷۰ [ش.ا]، تحصیلات عالی و نظامی را در سن سیر فرانسه پایان داد و به درجه افسری نائل آمد. مدتی در ارتش فرانسه مشغول خدمت بود. در جنگ بین‌الملل اول شرکت داشت. دولت فرانسه شخصیت نظامی او را کتباً تأیید و از خدماتش اظهار رضایت نمود. بعد از ورود به ایران و طی کردن درجات نظامی در ۱۳۱۴ درجه سرتیپی به او اعطا شد و مشاغل مهمی را در ارتش، مانند ریاست رکن دوم، سرپرستی نیروی هوایی، ریاست دژبان و ریاست دبیرستان نظام احراز کرد.... وی در سال ۱۳۵۸ در لواسان درگذشت... (عاقلی، ۱۳۵۸، ص ۱۱۵).<sup>۵</sup>

۴. مجله مجموعه خاطرات وحید. سال ۲۵۳۶ (۱۳۵۶). صص ۲-۳۱.  
۵. در خاطرات وی که در مجله وحید (۱۳۵۶)، ص ۲۳ چاپ شده است مشاغلی که برای خود برشمرده به این قرار بود: رئیس عملیات لشکر جنوب، رئیس عملیات لشکر غرب، رئیس رکن دوم ستاد ارتش، رئیس رکن چهارم ستاد ارتش، سرپرست نیروی هوایی، معاون دانشکده افسری و مدیر دروس، سرپرست دبیرستان نظام، ریاست رکن یکم ستاد با حفظ معاونت ستاد ارتش و نیز وظیفه تحویل اسلحه‌های خریداری‌شده برای ارتش را نیز به عهده داشت.



منبع دیگری که شرح مختصری از زندگی نظامی عباسقلی‌خان در آن وجود دارد در خاطرات محتشم‌السلطنه پدرش است.<sup>۶</sup>

اسفندیاری در خاطرات خود در مجله وحید در بخشی که از ورود او در جنگ بین‌المللی اول می‌گوید، پس از شرح مختصری که راجع به روزهای اسارتش به وسیله ارتش آلمان نوشته، بدون هیچ مقدمه‌ای، مراجعت به ایران و خدمت در ارتش<sup>۷</sup> را موضوع بعدی خود قرار داده است. در آن مطلب راجع به وضعیت نامناسب و تأسف بار سربازان و افسران به هنگام ورودش به آنجا و نیز درمورد کارهایی که برای رفع اعتیاد و تنظیم لباس فرم و مراقبت‌های بهداشتی برای ایشان انجام داده، نوشته است (عاقلی، ۱۳۵۸، ص ۳۰). ادامه خاطرات راجع به درگیری با اشرا و متجاسرین محلی است؛ و سپس مأموریت لرستان (۷ و ۱۳ ش.۰) که تحت فرماندهی سرلشگر امیراحمدی «ریاست ارکان حرب لرستان» بود، به وی سپرده شد. توضیح در مورد تشکیلات لشکر اعزامی و افراد و افسران حاضر در محل مأموریت در بخش بعدی خاطرات آورده شده است که از این نظر دارای اطلاعات مهمی از وضع ارتش در آن زمان و در منطقه غرب است.

یکی از نقاط خاص در زندگی عباسقلی‌خان ازدواج او با مریم فیروز دختر عبدالحسین میرزا فرمانفرما بود. مریم فیروز علت این ازدواج و سپس جدایی خود را از او در خاطرات خود شرح داده است (فیروز، ۱۳۸۷، صص ۲۵-۲۶).

کیانوری که بعدها با مریم فیروز ازدواج کرد، درباره دلیل ازدواج مریم فیروز با عباسقلی اسفندیاری، بر سیاسی بودن این پیوند تأکید داشته و درباره شخصیت اخلاقی عباسقلی چنین اظهارنظر کرده است: «... عروسی آن‌ها به کلی یک ازدواج سیاسی بود... در زمان حیات فرمانفرما جرأت جدا شدن از شوهرش را نداشت. هرچند زندگی‌شان جدا بود. سرتیپ اسفندیاری از افسران بسیار درستکار بود؛ ولی وضع مالی‌اش چندان مناسب نبود. اموال بسیار ناچیزی داشت. یک باغچه کوچک داشت که مهریه مریم کرده بود و زندگی‌شان با پول پدر مریم اداره می‌شد...» (کیانوری، ۱۳۵۲، ص ۲۰۱).

حاصل پیوند مریم فیروز و عباسقلی اسفندیاری دو دختر به نام‌های افسانه و افسر بود. اثری که پیش روست به انگیزه ترسیم گوشه‌ای از وضعیت ارتش در ایران (با تمرکز بر لشگر غرب- کرمانشاه) در عصر پهلوی از لابه‌لای عکس‌ها و تصاویر مجموعه سرتیپ عباسقلی اسفندیاری گردآوری و نوشته شده است. با دقت در عکس‌ها و توضیحات نوشته‌شده بر برخی از آنها روشن می‌شود که بسیاری از عکس‌ها به وسیله خود وی گرفته شده و برخی دیگر هم هست که او را در میان نظامیان و یا در حالت‌های خاص مانور و مشق نظام نشان می‌دهد. با دقت در جزئیات عکس‌های مجموعه، نکات جالب بسیار دیگری مشخص می‌شود که در ادامه توضیحات خواهد آمد.

۶. دربارهٔ تحصیلات نظامی و حضور او در جبهه‌های فرانسه در جنگ بین‌المللی اول در خاطرات محتشم‌السلطنه (پدرش) چنین آمده:  
«...عباسقلی‌خان در دانشکدهٔ افسری سن سیر تحصیل می‌کرد. در اوت ۱۹۱۴ یعنی آغاز جنگ، با رتبه ستوانی در رأس رسد چهارم گروهان هفتم هنگ ۶۶ بر ضد آلمان داخل جنگ شده و در ماه سپتامبر در جبههٔ معروف مارن اسیر و زندانی شد. مورخ‌الدوله می‌نویسد که چند روز پس از افتتاح مجلس سوم، محتشم‌السلطنه او را به شام دعوت کرده و توضیح داده بود که شنیده است آلمان‌ها از او گله کرده بودند که چرا عباسقلی‌خان با قشون فرانسه به جنگ رفته و خواهش می‌کند که به شازده‌افراد آلمان توضیح دهد که اقدام پسرش برخلاف میل او بوده. مورخ‌الدوله مکاتباتی که در این مورد با مقامات فرانسوی ردوبدل شده بود و خبر این که ستوان عباس نوری به اخذ درجهٔ لژیون دونور نائل آمده را هم در خاطرات خود ضمیمه کرده است.» (اتحادیه، ۱۳۹۶، صص ۱۲-۱۲۵).  
۷. وی می‌نویسد که پس از بازگشت به ایران به عنوان رئیس عملیات لشکر جنوب در اصفهان تعیین شد.

## ۲. عکس‌ها سخن می‌گویند

مجموعه حاضر منتخبی است از عکس‌هایی که با مضامین نظامی گرفته شده است و برخلاف بسیاری از عکس‌های آن دوره که افراد در آن با ژست‌ها و فیگورهای ساختگی و نمایشی دیده شده و منعکس می‌شوند، برخی از آنها در حالت‌های بسیار طبیعی و عادی افراد، ضبط شده است و نیز از افراد عادی و تا اشخاص خاص در میان آنها دیده می‌شوند. برخی از عکس‌ها را نیز عکاس تیزبین و نکته‌سنج (عباسقلی اسفندیاری) با یافتن و یا ایجاد فرصت و کنارهم گذاشتن افراد متفاوت، ترکیب بسیار جالبی از تضاد و نیز تفاوت را در میان افراد قشون، همراه با طنزی جالب نشان داده است (مانند تصویر کوتاه‌ترین و بلندترین سرباز و یا مسن‌ترین و جوان‌ترین سرباز در کنار هم)، و یا حالتی که صاحب‌منصب نظامی را به شکلی که در حالتی راحت در حال نوشیدن چای است، نشان می‌دهد. عکاس با این عکس، حالت خشک و رسمی که در میان سربازان، یک وضعیت همیشگی بوده و هست را تقریباً ندیده گرفته و از وی تصویری عادی همانند دیگر مردم نشان داده است.

## ۳. دسته‌بندی موضوعی عکس‌ها

عکس‌هایی که به صورت منتخب در مقاله حاضر آورده شده است، به عنوان بخشی از مجموعه‌ای ارزشمند از ثبت لحظات و موضوعات تاریخی است که در یک تقسیم‌بندی کلی به ۶ دسته تقسیم می‌شوند:<sup>۸</sup>

۱. عکس‌های پرسنلی و شخصی از خود عباسقلی خان که به عنوان عکاس و یا گردآورنده تصاویر به نظر می‌رسد؛
۲. عکس‌هایی که در جمع‌های افسران و یا افراد تابع خود گرفته شده است؛
۳. عکس‌هایی با موضوع موقعیت قرارگاه‌ها و اماکن و اجزای سربازخانه؛
۴. عکس‌هایی با موضوع سربازان در فیگورهای مختلف سان، مشق و یا عملیات و نیز ورزش؛
۵. عکس‌هایی با موضوع نشان دادن اجزای نظامی در حین انجام وظایف خود؛
۶. عکس‌هایی با موضوع متفرقه و بعضاً ظریف که در ادامه به توصیف بیشتر از هرکدام پرداخته می‌شود.

همان‌گونه که پیش‌تر گفته شد، تعدادی از عکس‌های مجموعه به صورت پرسنلی از خود عباسقلی خان است که در موقعیت‌های مختلف نیم‌تنه و یا تمام‌قد گرفته شده است. تعدادی از آنها به صورت تصاویر یادگاری در موقعیت‌های مختلف دوره‌های دوستان و هم‌قطاران و یا در طبیعت و احتمالاً به هنگام مأموریت هستند. تعدادی نیز در وضعیت مشق نظام است که از خود او و یا احتمالاً از مشق سربازان به وسیله وی گرفته شده که در این حالت، تصاویر افراد به شکل طبیعی و بدون ژست در عکس‌ها مشهود است.

تعدادی از عکس‌های مجموعه، از دوایر مختلفی که در ارتش وجود داشته، نظیر

۸. عکس‌های حاضر در این مقاله منتخبی از یک مجموعه با ارزش از عکس‌های مربوط به قشون در اوایل دوره پهلوی است که امید می‌رود بخش بعدی از این تصاویر در شماره‌های آتی نشریه به چاپ برسد.

سربازخانه و سربازان در حین غذا خوردن، اجزای صحنه و پزشکان و پرستاران در حالت نمایش انجام وظیفه و به هنگام دیدن بیمار و نیز عکسی از دامپزشک فوج به هنگام معاینه اسب سواره نظام هستند؛ همچنین عکس‌هایی از رسته موزیکانچیان، بیطاری<sup>۹</sup>، ارکان حرب، بی‌سیم‌چی‌ها، ارکان اداری، گروهان‌ها با تجهیزات خود، به حالت خبردار و نیز صاحب‌منصبان در حالت آزاد است. حتی از کبوتران فوج و افرادی که برای مراقبت ایشان گماشته شده بودند نیز در میان تصاویر دیده می‌شود. از جمله دیگر تصاویر، عکسی است از کارگرانی غیرنظامی که در فوج به خدمت مشغول بودند. ضمناً برخی از تصاویر در این مجموعه وجود دارد که احتمالاً از اولین نمونه‌های ضبط‌شده از فعالیت‌هایی ورزشی است که در ارتش وجود داشته است؛ نظیر مسابقات دو و پرش ارتفاع یا اسب‌سواری. این موارد حاکی از نکته‌سنجی عکاس در ضبط وقایع مختلف و متفاوت در قالب تصاویر و نیز یافتن لحظاتی خاص برای ثبت در حافظه تاریخی ارتش است.

در میان عکس‌های این مجموعه نادر نیز تصاویر نابی است از برخی تجهیزات و تشکیلات مکمل و در کنار لشگر که به دلیل بی‌سابقه و یا حداقل کم‌سابقه بودن در میان تصاویر به‌جامانده از ساختار و تشکیلات نظامی در ایران جایگاه خاص و ویژه‌ای دارد؛ مانند تصاویر درشکه حمل‌مریض و نیز حمام سیار نظامیان، کارخانه چراغ‌برق فوج و نیز کبوتران فوج. عکاس این تصاویر به تصویربرداری رسمی و رایج و مرسوم از نظامیان در حالت‌های مانور و مشق نظام و ژست‌های خشک نظامی و رسمی قناعت نکرده و به تصویربرداری از لحظات خاص و نیز از اجزایی که معمولاً در میان افواج و نظامیان چندان مورد توجه واقع نمی‌شده‌اند پرداخته است. این از نکاتی است که مجموعه حاضر را در میان عکس‌های نظامی دوره معاصر، در موقعیت شاخص و ممتازی قرار می‌دهد.

در میان عکس‌های موجود، چند تصویر از سنگرکنندگان سربازان وجود دارد که ایشان را نه در حالت کار بلکه در حین کار نشان داده است. همچنین دو عکس بسیار جالب در مجموعه عکس‌های مرحوم اسفندیاری وجود دارد که حاکی از روحیه طنز و احتمالاً شوخ‌طبعی وی بوده است. در این دو تصویر دوزج سرباز متفاوت را در کنار یکدیگر قرار داده است؛ یک سرباز کوتاه قامت را در کنار یک سرباز بلند قامت گذاشته و در توضیح کنار عکس عبارت بلندقدترین و کوتاه‌ترین افراد فوج، ثبت شده است و یا عکس دیگر، جوان سربازی را در کنار سرباز پیری قرار داده و در کنار آن نوشته مسن‌ترین و جوان‌ترین افراد فوج را گذاشته است.

شوخ‌طبعی صفتی است که در میان نظامیان از آن کمتر یاد می‌شود. ولی مرحوم اسفندیاری در ضبط این دو تصویر و نیز برخی از عکس‌هایی که صاحب‌منصبان نظامی را در حالت راحت‌باش و غیررسمی نشان داده است، به نظر می‌رسد که از این قاعده خارج شده است.

دیگر عکس‌های مجموعه، عکس‌هایی از افواج مختلف در قرارگاه و دورنماهایی از موقعیت منطقه‌ای ادارات تابعه در فوج منطقه کرمانشاه است. ضمناً عکسی هم از سربازان کشته‌شده فوج وجود دارد که روی هم ریخته شده‌اند.

سخن آخر این که تاریخ‌نویسی نوین تنها به منابع مکتوب در بیان وقایع و تحلیل تاریخی اکتفا نکرده و از تمام شواهد مکتوب (کتاب، سند) و غیرمکتوب (عکس، نقاشی‌های هنری، موسیقی، صنایع دستی، قصه‌ها، آواها، ترانه‌ها و غیره) که به کمک تاریخ می‌آیند، در ضبط و تحلیل تاریخ استفاده کرده و بهره می‌برد. در واقع تاریخ‌نگاری نوین که در ارتباط با مسائل مبتلابه انسان است، منابع آن نیز بمانند خود انسان حدودمرزی ندارد. عکس‌ها و تصاویری که در لحظات ضبط شده‌اند، خود زبانی دارند که با دقت در آن، می‌توان به درک واقعی‌تر و درست‌تری از تاریخ مورد مطالعه رسید.

### عکس‌ها



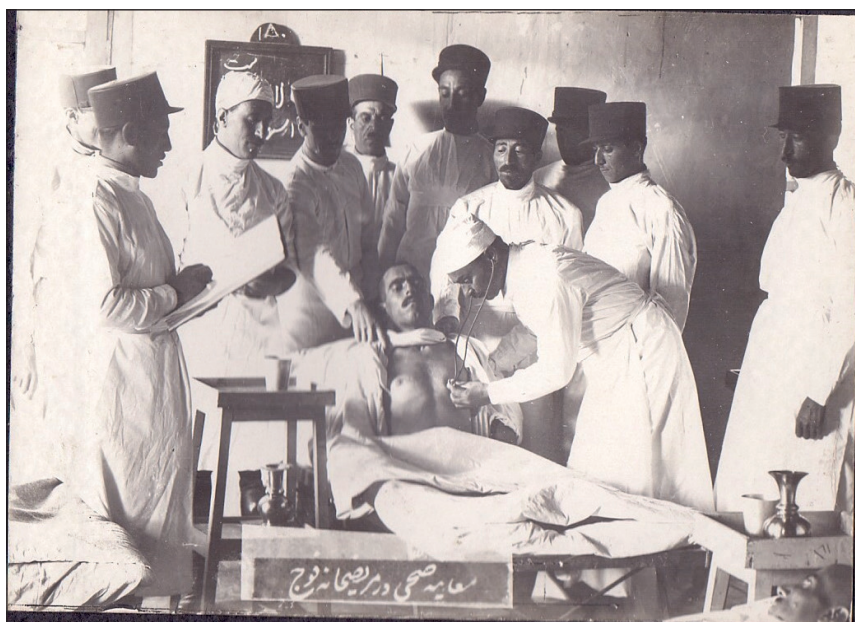
■ شکل شماره ۲. مسن‌ترین و جوان‌ترین افراد فوج



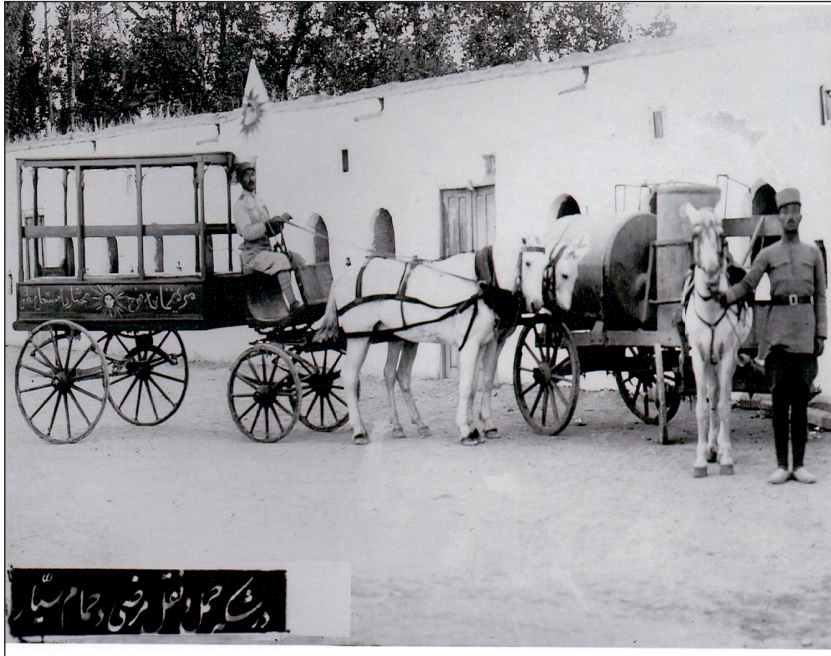
■ شکل شماره ۱. بلندقدترین و کوتاه‌قدترین افراد فوج



■ شکل شماره ۳. صحنه فوج



■ شکل شماره ۴. معاینه صحنه در بیمارستان فوج



■ شکل شماره ۵. درشکه حمل و نقل مریض و حمام سیار



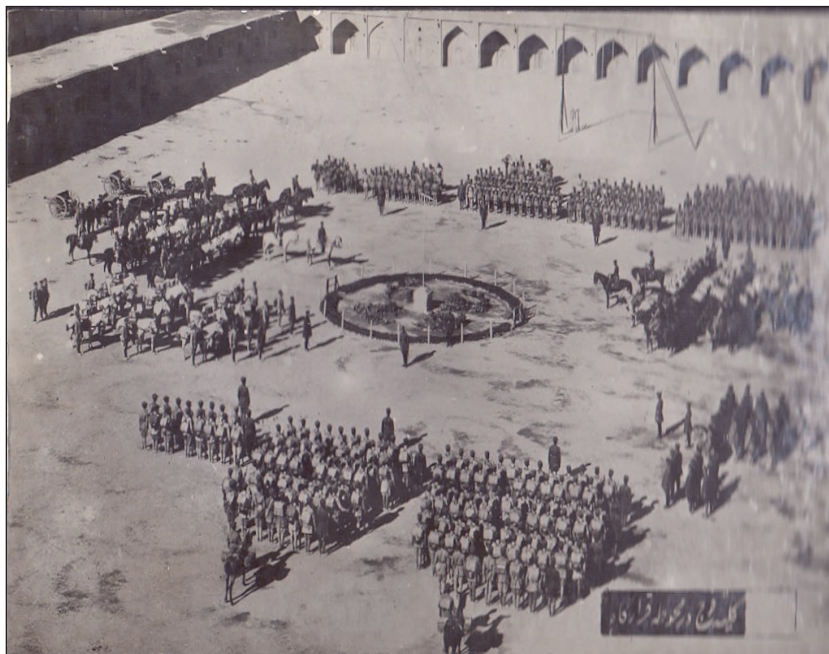
■ شکل شماره ۶. بیطاری فوج



■ شکل شماره ۷. یک عمل بیطاری



■ شکل شماره ۸. گروهان با تمام تجهیزات



■ شکل شماره ۹. کلتیه فوج در محوطه قرارگاه



■ شکل شماره ۱۰. دفیله گروهان ۴



■ شکل شماره ۱۲. یک پست تلفنی



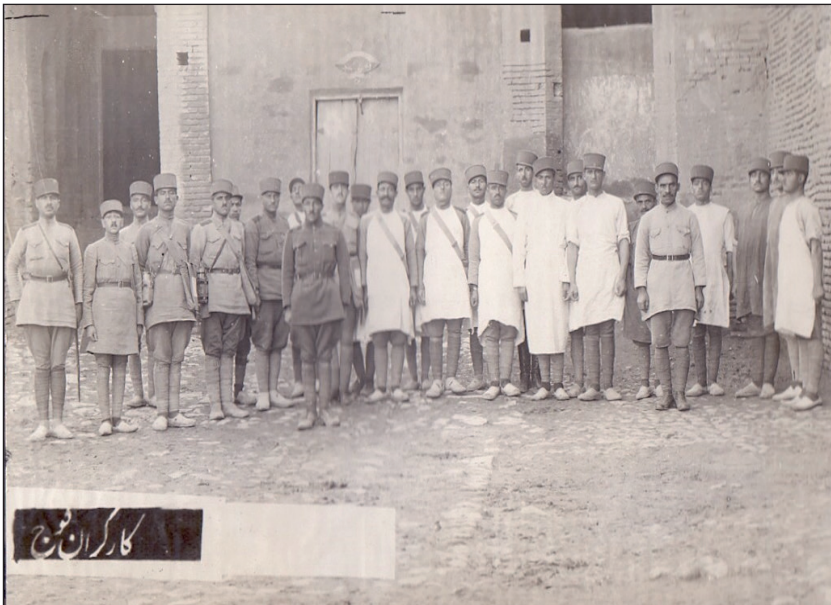
■ شکل شماره ۱۱. سنگرگنی گروهان



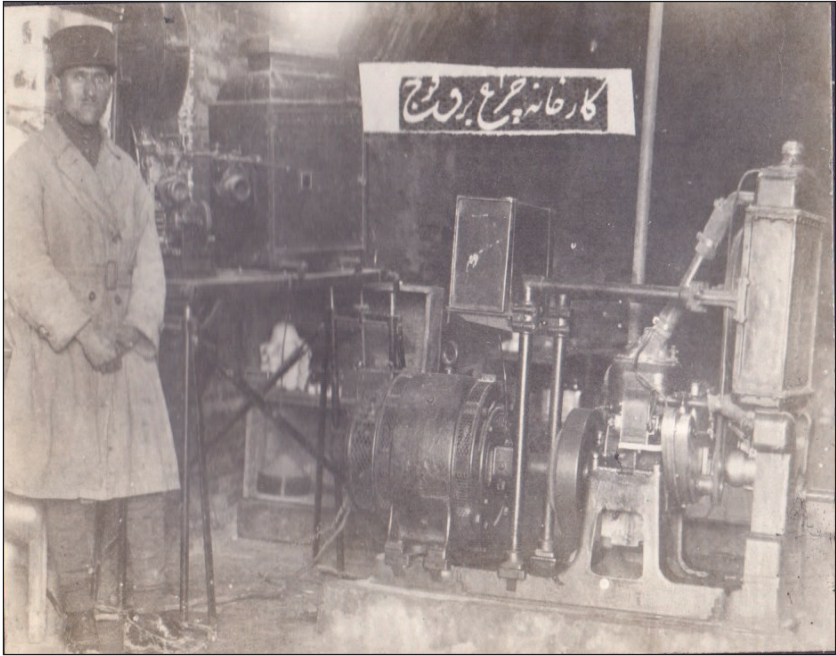
■ شکل شماره ۱۳. بالانچی



■ شکل شماره ۱۴. ارکست فوج



■ شکل شماره ۱۵. کارگران فوج



■ شکل شماره ۱۶. کارخانه چراغ برق فوج



■ شکل شماره ۱۷. بهترین دوندگان فوج



■ شکل شماره ۱۸ . بهترین افراد مخصوص پرش ارتفاع



■ شکل شماره ۱۹ . عکس مقتولین و کتابخانه فوج



■ شکل شماره ۲۰. کبوتران فوج



■ شکل شماره ۲۱. سبد سيار کبوتران فوج

## منابع

### کتاب‌ها

- آدمیت، فریدون. (۱۳۵۵). امیرکبیر و ایران. تهران: خوارزمی.
- اتحادیه، منصوره. (۱۳۹۶). محتشم السلطنه (زندگی‌نامه سیاسی حسن اسفندیاری). (۳ ج). تهران: نشر تاریخ ایران.
- اتحادیه، منصوره. (۱۳۸۳). زمانه و کارنامه سیاسی و اجتماعی عبدالحسین میرزا فرمانفرما. تهران: نشر تاریخ ایران.
- پاکروان، امین. (۱۳۷۷). آغامحمدخان قاجار. جهانگیر افکاری، مترجم. تهران: جام.
- تکمیل همایون، ناصر. (۱۳۷۶). تحولات قشون در تاریخ معاصر ایران، ج ۲، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- خودگو، سعادت. (۱۳۸۳). لیستان در عهد قاجار. خرم‌آباد: افلاک.
- زرگری نژاد، غلامحسین. (۱۳۷۲). خاطرات نخستین سپهبد ایران، احمد امیراحمدی، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های فرهنگی.
- فیروز، مریم. (۱۳۸۷). خاطرات مریم فیروز. تهران: دیدگاه.
- کیانوری، نورالدین. (۱۳۵۲). خاطرات کیانوری. تهران: انتشارات اطلاعات.
- عاقلی، یاقر. (۱۳۵۸). شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران. ج ۱، تهران: گفتار.
- کرونین، استفانی. (۱۳۷۷). ارتش و حکومت پهلوی. ترجمه غلامرضا علی بابائی. تهران: خجسته.
- محبوبی اردکانی، حسین. (۱۳۴۷). تاریخ مؤسسات تمدنی جدید در ایران. (وحید مازندرانی، مترجم). (۲ ج). انتشارات دانشگاه تهران.

### مقالات

- اسفندیاری، عباسقلی. (۱۳۵۵). «خرید اسلحه». مجله وحید، ش ۱۹۳.
- نصرالله‌خان یاور. (۱۳۵۵). «گزارش نظامی از یک قرن پیش (۱۲۹۷ ق)». مجله انجمن تاریخ، ش ۶.